مد و لباس؛ وابسته به رنگ سال یا تنوع فرهنگی و جغرافیایی؟

رنگ سال ۲۰۲۲ به روایت پالت‌های پنتون

نکته مهم در عرصه مد و لباس ایران بر اساس تنوع قومیتی و جغرافیایی آن است که هنرمندان نباید برای طراحی لباس در به‌کارگیری تکنیک یا رنگی خاص حتی رنگ سال محدود شوند، چرا که تحقیق و پژوهش مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی، مهم‌ترین رکن در بازآفرینی هنر، فرهنگ و تمدن این مرز و بوم است.

به گزارش هنرآنلاین، طبق روال هر سال و در آستانه سال جدید میلادی، شرکت پنتون اقدام به معرفی رنگ سال کرد. پنتون شرکتی است واقع در شهر کارلاستادت، نیوجرسی که به‌خاطر سامانه رنگ پنتون (PMS) که فضایی رنگی و اختصاصی است و در صنایع به‌ویژه چاپ به کار می‌رود، شناخته می‌شود. سامانه تطبیق رنگ پنتون سامانه‌ای برای تولید رنگ استاندارد است که با استفاده از این استاندارد رنگ، تولیدکنندگان مختلف در مکان‌های مختلف می‌توانند به آن مراجعه کنند تا مطمئن شوند رنگ مورد استفاده آن‌ها، همان رنگی است که می‌خواهند آن هم بدون آن‌که با رنگ تماس داشته باشند.

در حقیقت، شرکت پنتون وظیفه استانداردسازی رنگ‌ها را برعهده دارد و به هر رنگ یک کد مخصوص می‌دهد تا رنگ‌ها به صورت دقیق مشخص شوند و با دیگر رنگ‌ها اشتباه گرفته نشوند. طراحان لباس و مد نیز از رنگ‌هایی که شرکت پنتون به عنوان رنگ سال اعلام می‌کند بهره می‌برند تا بخشی از تولیدات خود را بر اساس آن انجام دهند. لئاتریس آیزمن، مدیر اجرایی مؤسسه رنگ پنتون در بیانیه‌ای مطبوعاتی درباره این انتخاب‌ها گفته است: «استفاده ما از رنگ، با روحیه فرهنگی‌مان ارتباط مستقیم دارد. همان طور که ما آینده جدیدی را کشف می‌کنیم، به دنبال فرصت‌هایی هستیم تا کاری کاملاً متفاوت انجام دهیم. این‌ها رنگ‌هایی هستند که تمایل ما به شکستن مرزها را برآورده می‌کنند. همان تمایلی که در حقیقت نیاز مشتاقانه ما به خلاقیت سرزنده و بیان بصری بدون محدودیت است و ما در حال ورود به این زمان هستیم.» با توجه به آنچه در وب‌سایت شرکت پنتون آمده، آن‌ها رنگ سال ۲۰۲۲ را در قالب یک تغییر و مرحله‌ای برای گذار از دوران کرونا و پا گذاشتن به جریان زندگی عادی در نظر گرفته‌اند؛ دوره‌ای که قرنطینه‌ها و ایزوله بودن تمام می‌شود. این رنگ با ترکیب خاص خود، دنیای دیجیتال و جهان واقعی را با هم تلفیق کرده و از این نظر به آنچه ما طی این سال‌ها تجربه کرده‌ایم، نزدیکی زیادی دارد. از طرف دیگر استفاده از این رنگ در قالب دنیای دیجیتال هم بسیار کارآمد است و همین باعث محبوبیت بیشتر آن خواهد شد.

به گفته انتخاب کنندگان رنگ سال نو میلادی، «Very Peri ۳۹۳۸-۱۷ PANTONE» نه‌تنها همه ویژگی‌هایی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره کردیم را دارد، بلکه حس زندگی مدرن را هم در افراد به وجود می‌آورد و میان جهان واقعی و دنیای دیجیتال پل می‌زند.

البته نکته حائز اهمیت در عرصه مد و لباس کشورمان ایران بر اساس تنوع قومیتی و جغرافیایی این است که در زمینه طراحی نباید هنرمندان در به‌کارگیری تکنیکی خاص محدود شوند چرا که تحقیق و پژوهش مهم‌ترین رکن در بازآفرینی هنر، فرهنگ و تمدن این مرز و بوم است و باید ذهن همگی معطوف و متوجه اصول استفاده از رنگ، طرح و نقش در زمان طراحی لباس‌ها شود ضمن آنکه هنرمند همواره نیاز دارد فضایی مناسب برای ایده‌پردازی و خلاقیت داشته باشد.

روایت مهدی قنبری از نمایشگاه «دراک»

نگاه نقاش ایرانی در مناظر شهری

نمایشگاه آثار مهدی قنبری با عنوان «دراک» در گالری اِو برپاست. قنبری در گفت و گو با هنرآنلاین با بیان اینکه در این مجموعه سه تابلو با تکنیک رنگ روغن و ۱۱ تابلو با تکنیک ترکیب موادی مانند اکریلیک، مرکب، راپید، مداد رنگی، پاستل و... به نمایش درآمده است گفت: من به استفاده از مترالگ خاصی مقید نبودم اما در استفاده از مواد مختلف این مسأله را در نظر دارم که کدام رنگ را بر روی کدام ماده بگذارم تا ترک نخورد و آسیبی به کار نزند. قنبری ادامه داد: این مجموعه در ادامه مجموعه قبلی من با عنوان «گرگ و میش» است که در گالری «هان» شیراز نمایش داده بودم و در آن کارها نیز به نمادهای شهری پرداخته بودم. البته در آن کارها بیشتر به خانه‌های قدیمی و خانه‌های روستایی توجه داشتم اما کم کم به این سمت رفتم که به محیط اطراف خودم بپردازم و سوژه را در همین محیط شهری پیدا کنم. قنبری افزود: من گاهی در طبیعت نقاشی می‌کنم اما این مجموعه صرفاً در طبیعت شکل نگرفته است. بعضی از آن‌ها ترکیب حضور در طبیعت و استفاده از عکس هستند و بعضی هم از ترکیب چند عکس شکل گرفته‌اند. نمایش شهر از فاصله دور و یا از ارتفاع بالا چیزی است که از نقاشی ایرانی گرفته‌ام. در مینیاتور هنرمند مانند یک دوربین پرنده از زمین فاصله گرفته و هرچه می‌بیند را ثبت می‌کند. من هم از این نگاه نقاش ایرانی استفاده کردم و با نگاهی بالاتر از سطح زمین به سوژه نگاه کردم.

او درباره عدم حضور انسان در این تصاویر گفت: شاید به نظر برسد که انسان در آن‌ها جایگاهی ندارد اما فکر می‌کنم هر سازه و نماد شهری به معنای حضور انسان است. همان طور که انسان و بروز تفکرات او در نماهایی که در فضای شهری درست می‌کند تأثیر دارد و این دو جدا از هم نیستند. من قبلاً نقاشی فیگوراتیو انجام داده‌ام اما در این مجموعه مستقیماً به فیگور نپرداختم و در ذهنم یک موضوع کلی‌تر که تعداد افراد بیشتری را در بر می‌گیرد اولویت بالاتری داشت. قنبری با اشاره به حالت غبارگرفته آثارش گفت: بخشی از این مسأله آگاهانه بوده و بخشی از آن ناخودآگاه پیش آمد. اصولاً اتمسفر و فضایی که حول محور مناظر ایجاد می‌شود برایم جالب است. حالت مه گرفته فضا بروز حالات و روحیه‌ای است که ما با آن درگیر هستیم و با وجود اینکه از ابتدا نمی‌خواستم از رنگ‌های خاموش استفاده کنم اما این اتفاق رخ داد و منِ نقاش تحت تأثیر آنچه در اطرافم رخ می‌دهد چنین رنگ‌هایی را به کار بردم. او درباره نمایش آثار خود در تهران گفت: در مدت شیوع کرونا بعضی از گالری‌های تهران تا حدودی فعال بودند اما در شیراز تمام گالری‌ها تعطیل شدند. در این مدت به یک نمایشگاه گروهی در گالری اِو دعوت شدم و این مسأله باعث ایجاد ارتباط با گالری شد و تصمیم گرفتیم یک نمایشگاه انفرادی در این گالری برگزار کنم. پروسه برگزاری نمایشگاه بسیار وسیع است و همه گالری‌ها نقاط قوت و ضعف دارند. به نظر من هم نمایشگاهی که در شیراز داشتم و نمایشگاهی که در تهران دارم خوب بوده‌اند. نمایشگاه آثار مهدی قنبری تا ۲۶ آذر در گالری اِو به نشانی خیابان کریم خان، خیابان خردمند شمالی، کوچه اعرابی ۳، پلاک ۵ برپاست.

نگاهی به پاویون آلمان در اکسپو ۲۰۲۰ دوبی

غرفه آلمان در اکسپو ۲۰۲۰ دوبی با تمرکز بر معماری پایدار فضایی منحصربه‌فرد و متمایز را در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهد.

به گزارش هنرآنلاین، معماری طراحی شده توسط LAVA (آزمایشگاه معماری بصری) برای غرفه آلمان نشان دهنده ایده محیط دانشگاهی و علمی است. به جای یک ساختمان سنتی، مجموعه‌ای عمودی از حجم‌های ساختمانی است که توسط یک عنصر اتصال احاطه شده است. دقیقا شبیه به یک پارک که به شکل عمودی ساخته شده است. این انبوه ساختارها نشان‌دهنده سیستم فدرال آلمان، تنوع بخش‌های صنعت و تحقیقات آن کشور است. مکعب‌های روی هم چیده شده با فضاهای خالی محصور شده ترکیب می‌شوند که منجر به تناوب جذاب بین فضاهای داخلی، خارجی و بسیاری از چشم‌اندازهای هیجان‌انگیز و غافلگیرکننده می‌شوند. بین مکعب‌ها سه آزمایشگاه قرار گرفته، بازدیدکنندگان بارها و بارها خود را در آتریوم‌های باز می‌بینند، جایی که می‌توانند پردیس آلمان را با همه تنوع تجربه کنند. دهلیز، قلب واقعی غرفه آلمان است یک منطقه سرسبز و باز که چشم اندازهای خارق العاده و مناظر پانوراما را ارائه می‌دهد. مکانی چند وجهی، متنوع و در عین حال پر جنب و جوش که در آن بسیاری از اتفاقات همزمان رخ می دهد. بازدیدکنندگان در غرفه کاوش و تبادل اطلاعات می‌کنند و از فضای پردیس لذت می‌برند.

در واقع این مفهومی است که خود ساختمان را به بخشی از نمایشگاه تبدیل می‌کند و آن را به ابزاری برای ارتباط مردم و مکانی برای تجربه نوآوری‌های آلمانی در می‌آورد. طراحی غرفه آلمان به گونه‌ای است که از هر زاویه می‌توان دید کامل به آن داشت، حرکت به راحتی امکان‌پذیر است و تراکم ایجاد نخواهد شد. تمامی قطعات و مواد به کار رفته در این غرفه قابلیت جداسازی دارند و بازیافت اصولی و آسان ممکن شده است. بازدیدکنندگان از طریق آزمایشگاه انرژی، آزمایشگاه شهر آینده و آزمایشگاه تنوع زیستی به سفری هیجان‌انگیز می‌روند. در واقع آن‌ها یک برنامه درسی را دنبال خواهند کرد، و به آنها فرصت می‌دهد تا به تدریج دانش خود را عمیق‌تر کنند.

«روایت و ذهن نویسا» در بازار کتاب

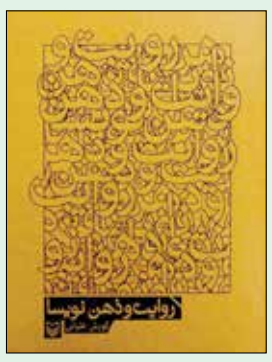

کتاب «روایت و ذهن نویسا» نوشته کورش علیانی منتشر شده است.

به گزارش ایسنا، این کتاب در ۲۶۰ صفحه با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه و قیمت ۶۰ هزار تومان در انتشارات سوره مهر عرضه شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب «روایت و ذهن نویسا» که پیش‌تر در انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده بود آمده است: چرا روایت در حیات انسانی مهم است؟ اساسا روایت چه هست و چه نیست؟ ربط آن به نوشتن چیست؟ آیا روایت امری است صرفا خیالی؟ تفکیک میان خیال و واقعیت چگونه ممکن است؟ و سرانجام آن‌که روایت چگونه در ما می‌زید، باورهایمان را می‌سازد و در تعیین شکل و شیوه زندگی‌مان کارگر است؟

این‌ها پرسش‌هایی است که نویسنده در این کتاب طرح کرده، آن‌ها را مبنای انسجام کتاب و فصل‌بندی قرار داده و کوشیده است ضمن بررسی آن‌ها، برای هریک پاسخی بیابد. در آغاز، در تعریف روایت، مولف تلاش کرده به تصویری دست یابد برآمده از توصیف؛ حاصل آن‌که ذکر مثال‌ها، نقل متن، و به ویژه لحن مبتنی بر گفت‌وگوی نویسنده خواننده را قادر به فهمی عینی از موضوع کتاب خواهد کرد که واجد فاصله‌ای چشمگیر با حد و رسم‌ها و تعریف‌های انتزاعی است.

او در فصلی دیگر نشان داده است که ذهن چطور روایت می‌سازد و چطور می‌توان از دانسته‌ها در باب روایت به یک نظریه ذهن نوتر و مفیدتر دست یافت. تبیین اهمیت انکارناپذیر و بنیادی روایت در حیات انسانی موضوع دو فصل میانی کتاب است؛ چطور روایت هویت فردی و هویت جمعی ما را می‌سازد. و در نهایت روایت چگونه به ما کمک می‌کند، شیوه‌هایی برای زندگی و فکر خود بیابیم.

نویسنده از اهمیت جسم یا بدن در روایت غافل نشده است و با اشاره به بیماری آسیب جسمی، به منزله یکی از ناب‌ترین سرچشمه‌های رخ دادن واقعه‌های غیرمنتظره، در فصلی دیگر به روایت پزشکی پرداخته است. سرانجام، در پایان نویسنده می‌کوشد به شما ایده بدهد که چگونه بیان روایی خودتان را بسازید.

یک مترجم ادبیات کودک و نوجوان مطرح کرد

ربات‌ها جایگزینی برای حیوانات

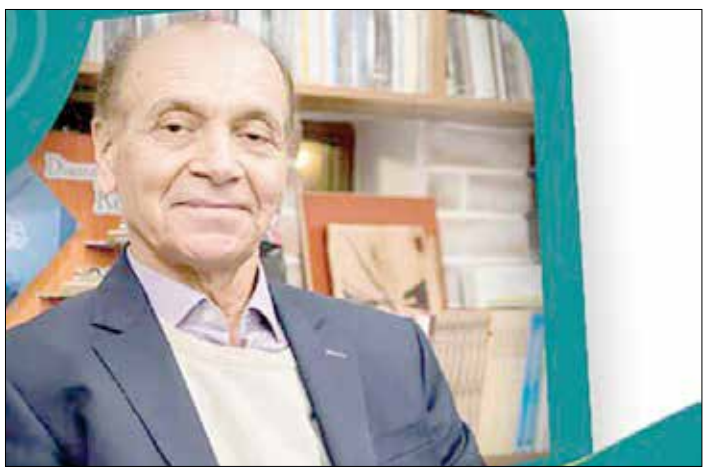

رضی هیرمندی معتقد است حیوانات در ادبیات حضور پررنگی دارند و اگر عقب‌گردی نسبت به حیوانات وجود دارد به بیگانگی انسان با محیط طبیعی‌اش برمی‌گردد. او همچنین می‌گوید: نویسنده‌هایی که شخصیت‌های جانوری به کار نمی‌برند، ربات‌ها را به کار می‌برند. این مترجم ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا درباره جایگاه حیوانات در ادبیات داستانی و این‌که به نظر می‌رسد در پاره‌ای موارد حیوانات در ادبیات به حاشیه رفته‌اند، گفت: فکر نمی‌کنم چنین جمع‌بستی درست باشد، نویسنده‌ها هنوز از حیوانات استفاده می‌کنند. سال‌ها کتاب‌های بسیاری ترجمه کرده و یا برای ترجمه انتخاب خوانده‌ام، به این نتیجه نرسیده‌ام که حضور حیوانات در ادبیات داستانی کم‌رنگ شده باشد. کتاب‌هایی مانند «خرس شمشیر به دست» دیوید کالی را ترجمه کردم که شخصیت اصلی آن خرس است که طبیعت را نابود می‌کند. ما همه می‌دانیم خرس‌ها طبیعت را نابود نمی‌کنند. این خرس نماد است. نویسنده می‌توانست از یک پادشاه استفاده کند اما نکرده چون می‌دانسته بچه‌ها ارتباط بهتری با شخصیت‌های حیوانی برقرار می‌کنند. «من صندلی نیستم» که درباره یک زرافه است، «خرگوش گوش داد» یا مجموعه چهارجلدی «قایم‌باشک بازی» که بچه خرس‌ها به خرید یا گردش می‌روند و در کنار مثلا کتابی بوده که اجسام شخصیت اصلی بودند، در «وقتی مدادشمعی‌ها دست از کار کشیدند»، نویسنده برای این‌که مدادرنگی‌ها موضوعیت داشتند از آن‌ها استفاده کرده است و نمی‌توانسته خرس را شخصیت داستان قرار بدهد. یا کالی در کتاب «دشمن» برای این‌که مسئله را جدی‌تر کند شخصیت اصلی خود را دو سرباز قرار داده است. در واقع نویسنده به فراخور موضوع داستان از شخصیت‌های مختلف استفاده می‌کند.

او سپس گفت: اگر به‌نظر می‌رسد نسبت به استفاده از حیوانات در داستان عقب‌گردی وجود دارد، به دلیل بیگانگی جامعه انسانی با محیط طبیعی‌شان از جمله حیوانات است؛ برخلاف این‌که ما مخرب محیط زیست هستیم، حیوانات حافظ آن هستند و حتی برخی از حیوانات حافظ ما انسان‌ها هم هستند. ما با حیوانات بیگانه شده‌ایم و طبیعتا این موضوع بر روی نویسندگان تأثیر می‌گذارد. در واقع بیگانه شدن انسان با محیط طبیعی و شهرنشینی رو به گسترش باعث شده با حیوانات انس نداشته باشیم و کم‌انس شدن ما باعث می‌شود نویسنده‌ها رغبتی نداشته باشند تا حیوانات را شخصیت خود قرار دهند.

هیرمندی با بیان این‌که نویسنده‌ها باید برای بیان مطالب خود از شخصیت‌های آشنا استفاده کنند، گفت: بچه‌ها از کجا با حیوانات آشنا شوند؟ یکی از راه‌های آشنایی کودکان با حیوانات از طریق باغ وحش است. باغ وحش پدیده‌ای است که خود زیر سوال است و یا حداقل من جزو کسانی هستم که معتقدم ما این حیوانات را اسیر می‌کنیم، باغ وحش زندان وحش است نه باغ وحش. چند سال پیش در پارک پردیسان شاهد شکنجه حیوانات بودم، خرسی که در طبیعت برای خود می‌گردد، اما در باغ وحش در یک مکان ۲ در ۲ نگهداری می‌شد و من می‌دیدم این حیوان حالت طبیعی ندارد و عصبی است. او باید نیازهای حرکتی و روانی خود را تأمین کند، که در این مکان این نیازهای او برطرف نمی‌شود و اعصابش به‌هم می‌ریزد. اگر به محیط اصلی خود بروند، محیطشان هم با آتش‌سوزی جنگل‌ها و گرمایش اقلیم‌ها از بین می‌رود. البته از طرف دیگر حیوانات خانگی روبه‌روز در حال گسترش هستند، ایرانی‌ها به دلیل اعتقادات مذهبی سگ را در خانه نمی‌توانند نگهداری کنند اما برخی مخفیانه نگه می‌دارند زیرا برای‌شان تبعاتی دارد، گربه‌ها هم هستند، هرچند گربه‌ها هم چوب سگ‌ها را می‌خورند.

مترجم «چگونه شیر باشیم؟»، «هفته آشتی و دوستی در کلاس خانم روباه» و «گربه را دیدند» در ادامه بیان کرد: ما از طرفی از حیوانات فاصله می‌گیریم و از طرف دیگر به نحوی دیگر مستقیم یا غیرمستقیم با آن‌ها ارتباط می‌گیریم، در نتیجه این کشاکش و پیش‌روی و عقب‌نشینی همچنان ادامه دارد و در حدی نیست که بگوییم کاملا به نفع یا ضرر حیوانات است. هنوز مردم با حیوانات انس دارند و حیوانات آن‌قدر برای‌شان دوست‌داشتنی هستند که عروسک می‌سازند و جمعیت حمایت از فلان حیوان را تشکیل می‌دهند و طبیعتا این‌ها مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد.

او با بیان این‌که کودکان به لحاظ روان‌شناسی و عاطفی به حیوانات نزدیک‌تر هستند و آن‌ها را دوست دارند، افزود: به همین دلیل نویسندگان دوست دارند حیوانات را نماینده انسان‌ها در داستان‌ها قرار بدهند، چرا نویسنده این کار را می‌کند؟ چون بچه‌ها بهتر می‌توانند داستان را بفهمند. نویسنده‌های معروف مثلا شل سیلور استاین در داستان‌های خود از شخصیت‌های حیوانی استفاده کرده است؛ مثلا «لافکادیو، شیری که جواب گلوله را با گلوله داد» که داستانی ضدجنگ است. او لافکادیو را سمبل قرار داده زیرا بچه‌ها بهتر می‌توانند ارتباط برقرار کنند و سیلور استاین در این کتاب کاری کرده که باورپذیر باشند؛ شیر بعد از خوردن شکارچی، تفنگش را برمی‌دارد، شکار یاد می‌گیرد و بعد شیر سیرک می‌شود، کت و شلوار می‌پوشد، سیگار برگ دود می‌کند و بعد هم از انسان بودن و هم شیر بودن، سیر می‌شود. اگر نویسنده از آدم کت شلواری استفاده می‌کرد، برای بچه‌ها خسته‌کننده بود. زیبایی شخصیت حیوانی در این است که در عین باورپذیری، آن را باور نمی‌کنید. شاید قابل تصور نباشد که انسان حیوان باشد اما قابل تصور است که حیوان انسان باشد. مترجم «فیل ماکارون»، «وقتی هورتون صدای «هو» شنید» و «گوزن شاخدار فایده‌اش چیه؟» خاطرنشان کرد: جدا از مسئله عاطفی بودن و طبیعی بودن زندگی بچه‌ها، کشش و انعطاف‌پذیری شخصیت حیوانات به گونه‌ای است که نویسنده بهتر می‌تواند با آن‌ها کار کند و حرف‌های خود را در قالب حیوان بزند. شخصیت انسانی سخت‌تر و زمخت‌تر است.

او در ادامه بیان کرد: نویسنده‌هایی که شخصیت‌های حیوانی به کار نمی‌برند، ربات‌ها را به قصه‌های خود می‌آورند. شینسوکه یوشی تکه در کتاب «می‌توانم یک من دیگر بسازم؟» این کار را می‌کند. کودک قصه او از نوشتن مشق نارحت است و با خود فکر می‌کند چه کار می‌تواند بکند. نمی‌تواند یک شیر یا خرس بیاورد، ربات می‌آورد زیرا بچه‌های امروز به جای حیوانات با ربات‌ها سر و کار پیدا می‌کنند، حتی حیوانات رباتی درست شده است. اجسام انسانی هوشمند کم‌کم وارد بازی می‌شوند و بنابراین اگر نویسنده حیوانات را انتخاب می‌کند و یا اگر ربات‌ها را وارد داستان می‌کند، دلایلی دارد. این برداشت من است.

رضی هیرمندی درباره پرداختن به حیوانات برای حفظ گونه‌های جانوری نیز گفت: در این زمینه کاستی‌هایی می‌بینم اما به صورت مصنوعی نمی‌شود کاری از پیش برد. چینی‌ها به پانداها توجه دارند، مسئولان، روشنفکران و محیط‌زیستی‌هاشان آزادند که درباره حیوان رو به انقراض صحبت کنند اما این‌جا راجع‌به شکار حیوانات هم صحبت کنید، جنبه سیاسی به خود می‌گیرد، به همین دلیل نویسنده‌ها کمتر رغبت می‌کنند دنبالش بروند. این نوع کمبود را احساس می‌کنم و جا دارد بیشتر به آن توجه شود.

اخبار کوتاه

اصغر فرهادی از جشنواره پالم اسپرینگز جایزه می‌گیرد

اصغر فرهادی جایزه «تأثیرگذاری خلاقانه در بخش کارگردانی» را از جشنواره پالم اسپرینگز دریافت می‌کند. به گزارش ایسنا، ورایتی گزارش داد که جایزه تأثیرگذاری خلاقانه در بخش کارگردانی را که بخشی از رویداد سالانه خود در فستیوال پالم اسپرینگز آمریکاست، به اصغر فرهادی اهدا خواهد کرد. فرهادی امسال با فیلم «قهرمان» در این جشنواره حضور خواهد داشت و این جایزه، به عنوان مهم‌ترین جایزه کارگردانی این فستیوال شناخته می‌شود. استیون گایدس، از مدیران ورایتی درباره «قهرمان» و انتخاب فرهادی برای این جایزه می‌گوید:«اصغر فرهادی، کارگردان برنده دو جایزه اسکار با فیلم «قهرمان» بار دیگر جایگاه خود را به عنوان یکی از برترین فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان بین‌المللی، تثبیت کرد. جایزه بزرگ فستیوال کن تنها نقطه شروع جوایز بین‌المللی این فیلم بود. همان‌طور که فرهادی با فیلم‌های «جدایی» و «فروشنده» تحسین منتقدین و رویدادهای سینمایی را برانگیخت؛ آن‌هایی که ارزش فیلمنامه‌های چند لایه او و بازی‌های ماهرانه بازیگرانش را دریافتند و نقش او را به عنوان استادی که کارگردانی را بلد است و به انسانیت می‌اندیشد، دیدند.» جایزه تأثیرگذاری خلاقانه ورایتی در بخش کارگردانی پیش از این به رایان کوگلر، پتی جنکینز، راب مارشال، استیو مک‌کوبین، جف نیکلاس، تاد فیلیپس و... اهدا شده است. مراسم اهدای جوایز این رویداد، روز جمعه، هفتم ژانویه در پالم اسپرینگز برگزار می‌شود.

میرطاهر مظلومی در یک سریال کمدی جدید

میرطاهر مظلومی به عنوان جدیدترین بازیگر سریال کمدی «جنابِ عالی»، جلوی دوربین عادل تبریزی رفت. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی پروژه، با ادامه فیلمبرداری سریال «جنابِ عالی» به تهیه‌کنندگی مصطفی رضوانی، کارگردانی عادل تبریزی و نویسندگی مشترک عادل تبریزی و رویا خسرونجدی، میرطاهر مظلومی به این پروژه پیوست. کمدی «جنابِ‌عالی» قرار است با نگاهی طنز به نقد سیستم اداری کشور و مانع تراشی‌های بر سر انجام کارها بپردازد.

همکاری فریدون جیرانی و گوران در «فیل»

فریدون جیرانی، منوچهر محمدی و منوچهر هادی برای ساخت فیلم‌های سینمایی جدید درخواست پروانه ساخت داده‌اند. به گزارش ایسنا، فریدون جیرانی به تازگی برای ساخت «فیل» به کارگردانی رضا گوران در نوبت دریافت پروانه ساخت قرار دارد. جیرانی که امسال خودش برای ساخت «می‌خواهم سالم زندگی کنم» مجوز گرفته است، قصد دارد به عنوان تهیه‌کننده برای فیلم جدید رضا گوران همکاری کند. «سرکوب» اولین فیلم سینمایی گوران است که سال ۱۳۹۷ ساخته شد. او تا سال ۱۳۹۴ در تئاتر فعال بود و نمایش‌های «شب آوازهایش را می‌خواند»، «یرما»، «هملت» و «مرداب روی بام» از جمله آثار اجرا شده این کارگردان تئاتر روی صحنه است. طبق اطلاعات ثبت شد در سایت سازمان سینمایی، بجز جیرانی، منوچهر محمدی هم درخواست پروانه ساخت برای فیلم سینمایی «پنج سال زندگی من» را به کارگردانی آرمین میلادی داده است. از این تهیه‌کننده سینما فیلم «چپ راست» هنوز اکران نشده است. منوچهر هادی هم که در چند سال گذشته مشغول سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی بوده، برای ساخت فیلمنامه «حدود ساعت هشت صبح» به کارگردانی خودش درخواست پروانه ساخت داده است. هادی که این روزها سریال «نیسان آبی» را در حال پخش از پلتفرم‌های اینترنتی دارد، بابت بعضی سریال‌های نمایش خانگی‌اش مثل «دل» و «گیسو» دچار حاشیه‌هایی شد. او ساخت فیلم‌های سینمایی «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه»، «زندگی جای دیگری است»، «رحمان ۱۴۰۰»، «آینه بغل» و «کارگر ساده نیازمندیم» را هم در کارنامه کاری خود ثبت کرده است.

گفت‌وگو

خروجی سال‌ها تجربه حسین یوسفی و سعدی افشار در یک کتاب

چاپ ۱۳ نمایشنامه تخت‌حوضی دهه ۵۰

کتاب «دفتر تقلید ۵» برنامه نمایشجات تخت‌حوضی از رادیو تهران، گردآوری مهدی صفاری‌نژاد و داریوش نصیری همزمان با بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی توسط انتشارات نمایش منتشر شد. مهدی صفاری‌نژاد درباره این کتاب به هنرآنلاین گفت: کتاب «دفتر تقلید ۵» از سیزده نمایشنامه با عناوین «بارگاه احمد»، «حکیم قلابی»، «ماشین بی‌صدا»، «کنیز فروش»، «یار خوشگل»، «قضا و قدر»، «قمار»، «دختر لال»، «مرتاض»، «حاکم و سه دزد»، «دختر همسایه»، «درویش» و «سالی یک دروغ» تشکیل شده است. او با این توضیح که نمایشنامه‌های «دفتر تقلید ۵» تخت‌حوضی است و در اوایل دهه ۵۰ در رادیو تهران پخش شده، ادامه‌داد: از هنرمندانی که در این تقلیدها حضور داشتند می‌توان از زنده‌یاد سعدی افشار و سیدحسین یوسفی نام برد. صفاری‌نژاد در پاسخ به این پرسش که چگونه به این اسناد دست پیدا کرده، اظهارداشت: در سال ۱۳۹۱ در باغ موزه قصر برای تامین هزینه‌های بیمارستان مرحوم سعدی افشار گلریزانی برگزار شد. در این مراسم من سیاه بودم. در پایان مراسم، این هنرمند سیاه‌بازی یک سی‌دی تحویلم داد. پس از گوش دادن متوجه شدم حاوی اجرای نمایشنامه‌های تخت‌حوضی است. پس از آن در گپی با داریوش نصیری و اشاره‌ای که به اجراهای رادیویی تخت‌حوضی در رادیو تهران داشت، تصمیم گرفتیم با همکاری هم این متون را پیاده، مکتوب و منتشر کنیم چرا که اسناد مهمی در حوزه نمایشنامه‌های تخت‌حوضی محسوب می‌شوند. او با بیان این که بهرام بیضایی تقلید را به چهار دسته تقسیم کرده است، افزود: نمایشنامه‌های کتاب در این چهار دسته‌بندی جای می‌گیرند به‌عنوان مثال در دسته (تاریخی اسطوره‌ای) نمایشنامه «بارگاه احمد»، دسته (زندگی روزمره) نمایشنامه «دختر همسایه»، در دسته (تقلید تخیلی) و (تقلیدهای اخلاقی) می‌توان نمایشنامه «قضا و قدر» را نام برد. با مرور این ۱۳ نمایشنامه مخاطب با نحوه و نوع زندگی مردم دهه ۵۰ آشنا می‌شود و می‌توان پژوهشی جامعه‌شناسی هم با توجه به متون داشت. صفاری‌نژاد با بیان این که مجموعه نمایشنامه‌های که در کتاب نشر یافته خروجی سال‌ها تجربه سیدحسین یوسفی، سعدی افشار و گروه آن‌هاست، تصریح‌کرد: در این کتاب براساس ویژگی‌های نمایشی که این هنرمندان در اجرا داشتند هم‌چون «پکری» و «حرف تو حرف» نمونه‌هایی ارائه شده که به همت داوود فتحعلی‌بیگی هم مقالاتی درباره آن‌ها در کتاب آمده که نمونه و شاهد مثال‌هایی است که به نسل جدید برای نگارش نمایشنامه‌های تخت‌حوضی کمک می‌کند و منجر به شناخت بیشتر علاقه‌مندانی می‌شود که می‌خواهند این متون را دنبال کنند. برای نمونه مرحوم یوسفی نمایش «حرف تو حرف» و مرحوم افشار کمدی «تکرار» را بسیار خوب اجرا می‌کردند. او با این توضیح که در کتاب مشخص است چگونه، کجا و در چه موقعیت‌هایی کمدی شکل می‌گیرد، اضافه‌کرد: همچنین مقدمه‌چینی که نقش‌پوش‌ها- بازیگرها انجام می‌دادند تا یک فضای کمدی ساخته شود چه نشانه‌هایی داشته است. برای نمونه در نمایش «ماشین بی‌صدا» حرف تو حرف داریم به این معنا که حرف زدن بین حرف دیگران که منجر به عصبانیت دیگران می‌شود یا در نمایشنامه «سالی یک دروغ» از فن تکرار به خوبی استفاده شده است. در صحنه سیاه و خریدار بر سر قیمت نهایی مشاجره دارند و یکی با بالاتر بالاتر گفتن و همراهی دیگران ضرباهنگ می‌سازد.